

معناشناسی محور در مسجد و کلیسا

سحر فتحی آذر*^۱، مهدی حمزه نژاد^۲

^۱ کارشناس ارشد معماری دانشگاه علم و صنعت

^۲ استادیار معماری دانشگاه علم و صنعت

تاریخ پذیرش: ۹۳/۰۸/۱۴

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۵/۰۲

چکیده

محور، عاملی اساسی در سازمان‌دهی کالبدی معابد است که با توجه به نحوه تفکر هر مکتب، نقشی نمادین در فضاهای عبادی داشته است. محور، در فضای نیایشگاه‌ها عامل جهت‌مندی است که می‌تواند القاکننده معانی و کیفیت فضایی تعریف‌شده‌ای در عبادت‌گاه باشد. این مقاله در پی آشکار ساختن عوامل و معانی مؤثر بر محوربندی معابد اسلامی و مسیحی است. ضرورت مطالعه و بررسی محور در اهمیت نقش پنهانی و مؤثرش در جهت‌گیری معنوی و کالبدی فضای عبادت‌گاهی است. روش تحقیق به شیوه توصیفی - تحلیلی و استدلال منطقی با رویکرد تطبیقی می‌باشد. در ابتدا مبانی و تفاوت‌های فکری مرتبط با محورگرایی در مسجد و کلیسا مطرح می‌شود و در نهایت با بررسی تطبیقی مساجد و کلیساها به تحلیل معنایی نقش محور پرداخته می‌شود. بررسی مبانی اولیه محور، دلیل و نحوه شکل‌گیری فضاهای عبادی را آشکار می‌کند و منجر به تگاهی آگاهانه نسبت به طراحی مسجد و کلیسا می‌گردد. بر این اساس، محور افقی در نیایشگاه‌های مسیحی دارای جایگاهی استوار بوده و حامل نقش‌های تاریخی، رمزی، عملکردی و ... است. محور در کلیسا موجب مادی‌گرایی و ارتباط کلیسا با عوامل و نمادهای این جهانی می‌گردد. محور در کلیسا موجب مادی‌گرایی و ارتباط کلیسا با عوامل و نمادهای این جهانی می‌گردد. محور در مساجد، بنا به الزام عملکردی و کارکردی شکل گرفته‌اند. آن‌چه می‌توان در مساجد مشاهده کرد، فضایی خلأگونه و به دور کشش غالب در جهت‌ی خاص است. محوربندی در مسجد منجر به سکوت ذهن و تعریف واحدی فضایی می‌گردد؛ به گونه‌ای که مسجد تجلی‌گاه نیایش‌گاهی یک‌دست و همگانی، منطبق بر فردیت افراد به سوی معبود واحد شناخته می‌شود. در نهایت، وجه مشترک در محورگرایی کلیسا و مسجد محور عمودی است. آن‌چه فرجام معنای حقیقی در مسجد و کلیسا را رقم می‌زند، محور عروج است که مسیر رستگاری را تعریف می‌نماید.

واژگان کلیدی: محور، محورگرایی، مسجد، کلیسا.

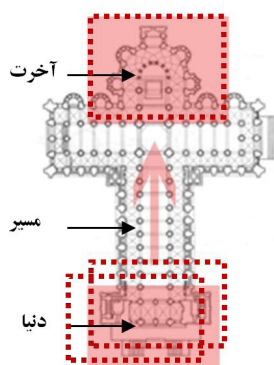
مقدمه

به عوامل معنایی اشاره می‌شود. آن چه در نگاه اول می‌توان در معابد مسیحی یافت وجود یک میسر و یک هدف در این مکان است.

تأثیر نمادپردازی محسوس در شکل‌گیری محور کلیساها

حادثه تاریخی مصلوبیت عیسی: کلیسا در سطحی‌ترین لایه می‌تواند نمایان‌گر شکل صلیب باشد و محورهای تشکیل‌دهنده کلیسا را با این برداشت منطبق بر محورهای صلیب به عنوان نمادی تاریخی^۱ - مذهبی در نظر گرفت.

آن چه در ساختار کلیسا مشهود است وجود مسیری برای سیر به آخرت است. در ابتدای مسیر دنیوی‌ترین عرصه و در انتهای مسیر اخروی‌ترین عرصه به نمایش گذاشته می‌شود. عدم ارتباط و وابستگی بین دنیا و آخرت در این آیین موجب شکل‌گیری محور دنیا به آخرت در کلیساها شده است (تصویر شماره ۱).



تصویر شماره ۱: مسیر دنیا به آخرت در کلیسا، کلیسای جامع سانتیاگو د کومپوستلا، آغار ساخت ۱۰۸۰م توسط «برنار پیر»، مأخذ: استیرلن، ۱۳۸۱: ۱۳۳.

جهت‌گیری به سمت شرق: در آیین مسیحیت، مسیح را به خورشید شکست‌ناپذیر تعبیر کرده‌اند (بورکها، ۱۳۷۶: ۶۵). محور اصلی تمام کلیساها به صورت موازی جهت‌گیری خود را به آن قسمت از آسمان دارند که خورشید - نماد و تمثیل عیسی دوباره زنده شده - از آنجا طلوع می‌کند (بورکها، ۱۳۷۶ الف: ۳۹).

تصویر نجومی کلیسا: برخی صاحب‌ظران صلیب را از دیدگاه نجومی می‌نگرند و محورهای آن را هم‌چون برخورد دایره البروج استوا و تصویر نقاط اعتدالی می‌دانند که خورشید سالیانه به تناوب از این دو نقطه می‌گذرد. می‌توان در دیدگاه جهان‌شناسانه، پدیدارهای نجومی را نمودگاری از ویژگی‌های انسان کامل در نظر گرفت که در معبد منعکس شده است (گنون، ۱۳۷۴: ۶۴). در این دیدگاه می‌توان شکل صلیب را امری مافوق بشریت تلقی کرد که در طبیعت موجودیت داشته و توسط انسان کشف و مقدس شده است.

تفاوت در جایگاه معنوی انسان‌ها: آن چه ساختار خطی آن در کلیسا توجیه می‌شود، تفاوت در جایگاه قدیسان و غیر قدیسان است. ورود و خروج قدیسان از قسمت بالایی محور و دیگران از قسمت انتهایی محور صورت می‌گیرد. حرکت در جهت محور طولی، حرکت در جهت تکامل معنوی است؛ حرکت از گناه به پاکی.

محور، عامل کانونی کردن فضا در مراکز عبادی است و سبب می‌شود تمامی فضا معطوف به مکانی خاص گردد. در طول تاریخ، توجه به این موضوع متفاوت بوده است. محوربندی در فضا می‌تواند آشکار و با تأکید و یا پنهان و در لایه‌های نهفته فضا جای گرفته باشد. محوربندی در فضاها گوناگون، نقش‌های متفاوتی را شامل می‌شود. تفاوت عمده محور در فضاها عبادی با دیگر فضاها در مبانی فکری نظام‌یابی فضا است؛ به گونه‌ای که تفاوت در مبانی اولیه دو مکتب، منجر به شکل‌گیری دو ساختار متفاوت و حامل پیام‌های گوناگون می‌گردد.

با توجه به نقش محور در شکل‌یابی ساختار کلی معابد و مکان‌یابی عناصر اصلی، محور، عاملی اساسی در معابد محسوب می‌شود که می‌تواند نگرش کلی ادیان را در فضاها عبادی منعکس سازد. پرسش اصلی نحوه برخورد مسلمانان و مسیحیان در نیایش‌گاه‌هایشان با مقوله محورگرایی و تأثیر عوامل گوناگون غالب دوران بر این موضوع است. در این مقاله دلایل وجودی شکل‌گیری محور و کالبد کلی کلیسا و مسجد مورد بررسی قرار می‌گیرد.

روش تحقیق

برای انجام این پژوهش از رویکرد تطبیقی با روش توصیفی - تحلیلی و استدلال منطقی استفاده شده است و برای جمع‌آوری اطلاعات به منابع مکتوب و کتابخانه‌ای مراجعه شده است. چنانچه در ابتدا به بررسی مؤلفه محور در مسجد و کلیسا به طور جداگانه پرداخته می‌شود. مبانی شکل‌گیری و وجود محور در این دو فضا بیان می‌شود و سپس با بررسی تطبیقی شباهت و تمایزات بیان می‌گردد. در نهایت به تحلیل این عوامل پرداخته می‌شود و نتایج در غالب جدول بیان می‌گردد.

بررسی مبانی مؤثر در محور یابی معابد مسلمانان و مسیحیان

نحوه نگرش مسلمانان و مسیحیان به محور یابی معابد متفاوت است. از آنجایی که محور در کلیسا جایگاه نمادین تقویت شده‌ای دارد، باورهای مسیحیان تأثیر بسزایی در شکل‌گیری آن داشته است. در مساجد، عوامل مؤثر بر شکل‌گیری یا تضعیف محور، بیش‌تر جنبه کاربردی دارند. محور در فضای عبادی مسلمانان در جهتی شکل می‌گیرد که به ایجاد فضای عبادی مطلوب منجر شود.

محور در کلیسا

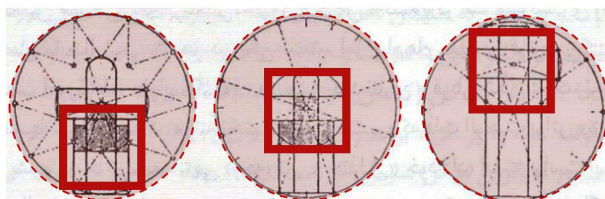
شمایل کلیسا به گونه‌ای تمثیلی، بیانی مجسم از اعتقادات در دین مسیحیت است. کلیسا نمایانگر جایگاه انسان، خدا و مسیح است و مسیر دست‌یابی به جایگاه برتر را عیان می‌سازد. عواملی که در شکل‌گیری اساس و محور یابی کلیساها مسیحیت نقش داشته‌اند، در لایه‌های متفاوت قابل بررسی هستند. چنان که در لایه سطحی و نمایان به باورهای آشکار مسیحیان و در لایه نهان

سیر تکوین معنوی افراد: باور به تکوین انساها از دوران ماقبل تولد تا بعد از مرگ، به عنوان مسیر تکامل در کلیسا بیان می‌گردد. بر طبق این باور، تکوین انسان‌ها در چندین مرحله صورت می‌گیرد. ابتدا در خود الوهیت، به گونه‌ای که انسان جنبه‌ای غیر مخلوق است موجودیت می‌یابد^۲. در مرحله بعد، انسان در لوگوس تولد می‌یابد که همان الگوی نخستین انسان و صورت واقعیت است^۳. در مرحله بعد، انسان در مرتبه کیهان (بهشت) خلق می‌شود و سپس با ماهیت تباهی‌ناپذیر به بهشت زمینی نزول می‌کند. سپس با بدنی فناپذیر - که ماهیت آن به مراحل متقدم خلق انسان تعلق دارد - به زمین متعلق می‌گردد (نصر، ۱۳۸۰: ۲۹۵). این مرحله جایی است که انسان در ابتدای مسیر عروج قرار می‌گیرد و طریق کسب مراتب متعالی وجود خویش را جویا می‌شود. کلیسا این مسیر را در جنبه ظاهری و معنایی به عابدان راه حق می‌نمایاند.

مصائب تکوین مسیحیت: مقوله رنج در مسیحیت به امری مقدس تبدیل شده است؛ متفاوت با آنچه در سایر ادیان از مقوله ابتلا و آزمایش الهی وجود دارد. از نظر مؤمن مسیحی، رنج در سرشت این دنیا وجود دارد و بهایی است که برای نیل به سعادت و آسودگی در سرای دیگر و خشنودی خداوند، باید آن را با دل و جان پذیرا بود (شجاعی زند، ۱۳۷۹: ۶۶). مسیحیت در رم غربی به مدت ۲۵۰ سال همراه با عبادات پنهانی و زیر زمینی و تثبیت آن نیازمند مبارزات طولانی و تحمل مصائب بود. در تعریفی صوری می‌توان مسیر و راه را در کلیسا به عنوان نمادی از دشواری‌های مسیر تکوین مسیحیت تعریف کرد (گروتز، ۱۳۸۶: ۱۹۵)، که تقدس رنج در دین مسیحیت، ارزش نمادینی به راه در محور کلیسا می‌بخشد.

فلسفه نجات: در مسیحیت، انسان‌ها از ابتدا گناه‌کار شمرده می‌شوند. بر این اساس، مسیحیت بیش از هر دینی به نجات اهمیت داده و خداوند راه نجات انسان‌ها را تعیین کرده است. مفاهیم تجسد و صلیب و فدیة نیز در این بحث مطرح می‌شود. راه نمادین در کلیسا همان راه نجاتی است که خدا برای انسان‌های گناه‌کار طرح‌ریزی کرده است، و این همان طریق رستگاری است (میرنادر، ۱۳۸۳: ۱۶).

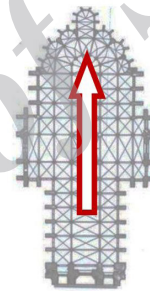
واسطه‌گری هندسه کلیسا به عنوان نماد جامع بین زمین و آسمان: در معابد مسیحی دو محور عمود بر یکدیگر، مستطیل محاط در دایره ای را تداعی می‌کند که واسطه‌ای میان مربع زمینی و دایره آسمانی است و در چشم‌انداز مسیحیت نقش واسطه الهی و میانجی را ایفا می‌کند^۴ (تصویر شماره ۳).



تصویر شماره ۳: نقش واسطه‌گری معبد میان زمین و آسمان، چند نمونه از ابعاد کلیساهای قرون وسطا، مأخذ: بوركهات، ۱۳۷۶: ۶۸

کمرنگ شدن مناسک نیایشی (به‌ویژه فردی) در برابر موعظه‌ای اخلاقی کلیساها: در مسیحیت اصل را بر سلامت درونی انسان‌ها و تقویت روح فردی و تمایلات درون‌گرایانه از طریق موعظه قرار می‌دهند و این‌گونه عنصر عمل از اخلاق مسیحی حذف می‌گردد و در تزکیه درونی اهمیتی نمی‌یابد. جدایی عمل و تزکیه نفس، ساختار کلیسا را به نحوی شکل داده که کارکردی عبادی آن فارغ از عمل نمایان شود. عبادتی که تنها به گونه موعظه صورت می‌گیرد و دسترسی افراد به خدا را تنها از طریق شخص واعظ امکان‌پذیر می‌سازد. نوعی عبادت آفاقی افراد سامع، که رها از عمل شخصی و در جهت پیروی از قدیس روحانی است. در کلیسا که جایگاه روحانی برای عمل و جایگاه دیگران در شبستان به عنوان شاهد و ناظر اعمال قدیسان در نظر گرفته شده است، به خوبی جدایی عمل از اخلاق را نمایان می‌سازد.

واسطه برای دست‌یابی به خدا: در معماری مسیحی، جهت افراد را به سمت شخص خاصی رهنمون می‌سازد. تمام نیروها و جهت‌ها بیانگر آن است که برای دست‌یابی به فضل الهی باید به حضور عشای ربانی که در جایگاه مخصوص قرار گرفته است، توجه خاصی نمود (بورکهاات، ۱۳۷۶ ج: ۷۰) (تصویر شماره ۲).



تصویر شماره ۲: تمرکز نیروهای محوری به سمت شخص میانجی، کلیسای اعظم آمی‌ین، آغاز در ۱۲۲۰ م، مأخذ: شولتز، ۱۳۸۷: ۲۲۶

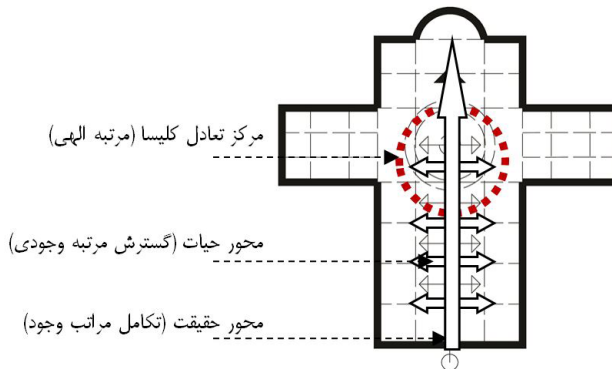
تأثیر عوامل معنایی در شکل‌گیری محور در کلیسا

تکامل تاریخی بشریت: باور به پیشرفت تاریخی انسان‌ها و خوشبینی نسبت به تاریخ، به تدریج به عنوان عاملی دنیوی جای خود را در دین باز نمود. در سایه باور به پیشرفت تاریخی انسان‌ها شور و انگیزشی در ایمان افراد ایجاد شد؛ تا بدان جا که پنداشته می‌شد نیازهای دینی بشریت^۵ را نیز بر طرف سازد. تاریخ، زمان و تغییر در زمان اهمیتی و رای حقیقت خود در مسیحیت یافتند. در این دیدگاه، سه نقطه عطف در زمان وجود دارد: خلقت آدم، مسیح و مسیح دوم، و هیچ آشفتنگی مسیر مستقیم و پیوسته تاریخ را منقطع نمی‌کند. گذر زمان و تاریخ، رو در روی آموزه تجسد در الهیات مسیحی قرار گرفت؛ به گونه‌ای که مفاهیم فرا تاریخی و فرا زمانی به تدریج اهمیت خود را از دست داده‌اند (نصر، ۱۳۷۹: ۲۵۰-۲۴۷). محور نمادین در کلیساها، نمایشی کالبدی از سیر تاریخی تکامل در سیر مادی فضا است که از هر گونه گزند مصون می‌ماند و طریق پیشرفت مادی و معنوی را نمایان می‌سازد.

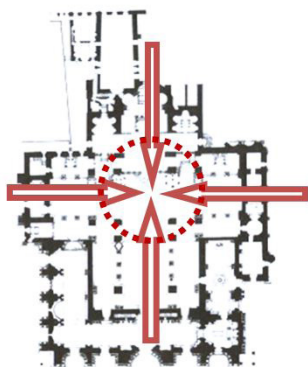
تجمیع خصوصیات مکمل در کلیسا

محورهای عمود بر هم: آن چه در شمای کلیسا مشهود است، برخورد دو محور در جهت‌های متفاوت یا یکدیگر است. محورهای عمود بر هم در کلیسا خصوصیات مکمل را در معبد مسیحی به نمایش می‌گذارد؛ به گونه‌ای که، مقام الهی به محل تقاطع می‌بخشد و آن را جایگاهی متعالی می‌نماید؛ مبدأ بی‌فعل که هر گونه فعلی از اوست (گنون، ۱۳۷۴: ۸۲). جهت هر محور کلیسا متشکل از دو نیم خط در یک جهت است، که در کلیسا چهار جهت را نشان می‌دهد. جهات مکان به صورت جفت‌های متضاد، نماینده هر گونه تعارضی است با حرکت‌های ضریبی قبض و بسط - که دو گام مکمل در سیر هر ظهوری است - که از نقطه تعادل مرکزی فرا می‌روند و به آن باز می‌گردند. تقابل چهار تایی عناصر اربعه و کیفیات متناظر آن‌ها به خوبی در شکل صلیب افقی نمایان می‌شوند (پیشین: ۸۳). محور طولی کلیسا نشانه حقیقت، و محور عرضی نشانه حیات است. حقیقت، به انسان روحانی و حیات به انسان جسمانی مربوط است (پیشین: ۱۵۷). درجات وجود عام به وسیله محور افقی تعریف می‌شود و این محور رمز راه هویت است که به کمال منتهی می‌شود (پیشین: ۱۵۴). جهت اصلی در کلیسا نمودار محوری است که از راه پیوستن نقاط متناظر درجات وجود عام ایجاد می‌شود، و جهت عرضی نمودار گسترش یکی از این مراتب وجود خواهد بود. جهت عرضی، تصویر مرتبه بشری و جهت افقی آن چه را که نسبت به آن مرتبه، متعالی است، نمایان می‌کند (پیشین: ۱۱۹) (تصویر شماره ۴).

وجود خصوصیات متکامل در مسیح: از دیدگاهی می‌توان محورهای متقابل در صلیب را هم‌چون برخورد دو خصوصیت متفاوت و مکمل مسیح (ع) در نظر گرفت. رمز برخورد دو محور صلیب، رمز دو طبیعت لاهوتی و ناسوتی عیسی (ع) است (پیشین: ۳۱). در مسیح، تصویری از خدای حقیقی و انسان حقیقی مشاهده می‌شود. خداییش کمال مطلق و انسانیتش کمال نسبی را می‌طلبد. حقیقت مسیح را می‌توان بدین گونه بیان کرد: تجسد کمال مطلق و کمال نسبی^۷، و تقاطع محورهای کلیسا، رمزی از این توافق را می‌نمایاند (پالیس، ۱۳۸۴: ۹۱) (تصویر شماره ۵).



تصویر شماره ۴: وجود مسیر حیات و حقیقت در کلیسا، تصویر شماتیک کلیسا، مأخذ: نگارندگان



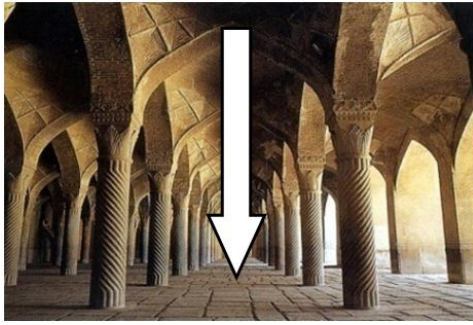
تصویر شماره ۵: تجمیع خصوصیات مکمل و برخورد جفتهای متضاد در مرکز تعادل کلیسا، کلیسای سن مارکو، ونیز، ۸۳۰ م، مأخذ: شولتز، ۱۳۸۱: ۲۹۱

محور در مساجد اسلام

آن چه مشهود است تفاوت میان محورگرایی در معابد اسلامی و مسیحی است. بر خلاف کلیساها در نگاه کلی به مساجد شاهد بی‌محوری هستیم. ساختار تشکیل‌دهنده مساجد بیش از آن که نمادی از باورهای مسلمانان باشد، نمادی از فلسفه عبادت است. در مساجد آن چه به وضوح خود را نمایان می‌کند، یکدستی و هم‌رنگی در فضاهای مسجد است؛ به گونه‌ای که محور جای خود را در این یکنواختی باز می‌کند؛ نوعی بی‌محوری در عین محورمندی.

عوامل مؤثر در همگنی و تضعیف محورگرایی در مساجد انسان کامل همواره در سوی خدا است و هستی او در گرو کمال جویی و جهت‌گیری الهی است. انسان کامل و کائنات هستی به سوی کمال مطلق هستند و طرح مسجد باید نمایان چنین کمال‌جویی باشد (نویسی، ۱۳۷۶: ۶۷۰). در چنین مکانی باید یکرنگی متجلی گردد و فارغ از جهت و مراتب در دستیابی به خدا باشد. در چنین مکانی نباید تفاوت در جایگاه معنوی انسان‌ها عیان باشد. دلیل وجود تعادل در محورهای عبادتگاه‌های مسلمین را چنین می‌توان بر شمرد:

ایجاد خلأ برای ارتباط با معبود: در اسلام اساس عبادت بر تفکر استوار است و سکون مقدمه تفکر است. برای ایجاد چنین شرایطی نیاز به فضایی بدون کشش و حرکت است که منجر به سیر در عالم معنوی گردد؛ نه این‌که عالم معنا را در کالبد خلاصه گردانند. در معماری اسلامی، فضا در خود آرامش می‌یابد. در مراکز عبادی، کشش بین زمین و آسمان منتفی می‌شود و احساس نمی‌کنیم به جهت خاصی کشیده می‌شویم (بورکها، ۱۳۷۶ ج: ۷۰). دکتر نصر این گفته را بدین گونه بیان می‌کند: «فضای درون مسجد نه تنها عارضی و اتفاقی نیست، بلکه عمداً به گونه‌ای طراحی شده که هرگونه تراکم و انجماد یا کششی را که مانع گسترش کلام در فضای نامحدود شود، خنثی می‌نماید؛ فضایی سرشار از سلم و توازن که روح در آن به جای تمرکز در قالب پیکره یا شمایل خاصی در همه جا هست و حضور دارد» (نصر، ۱۳۷۳: ۴۸). در مسجد، انسان در بی‌نهایت، همین جا و هم اکنون زندگی می‌کند و آرامش و استراحتی می‌یابد که از هر اشتیاق و میل رهایی می‌یابد (بورکها، ۱۳۷۶ ب: ۵۸)



تصویر شماره ۷: تطابق مرکز عبادت با فرد در مسجد، مسجد وکیل، شیراز، ۱۱۸۷ ه.ق، مأخذ: مجموعه عکس‌های دکتر علی محمد زنجیر کرمانی

نبود سیر تکامل تاریخی: در اسلام، بر خلاف مسیحیت، اعتقاد به سیر تکوینی طولی در زمان بی‌معنا است. تفکر اسلامی ناشی از خودآگاهی تاریخی نیست. متفکران اسلامی معتقد به مسیر عروج هستند و تحولات افقی را منکر می‌شوند. آن‌ها محور اصلی را محور وحی الهی می‌دانند که افق آن آستانه ماورای تاریخ و طی طریق در طول زمان است (کربن، ۱۳۷۶: ۲۱).

ارتباط دنیا و آخرت: در اسلام دنیا و آخرت از یکدیگر جدا نیستند؛ بلکه امری واحدند. یکرنگی کالبد مسجد نیز وابستگی این دو به یکدیگر را نمایان می‌سازد و مسجد برای جدایی این دو مسیری تعیین نمی‌کند (پاشایی و کهنمویی، ۱۳۸۰: ۱۰۸).

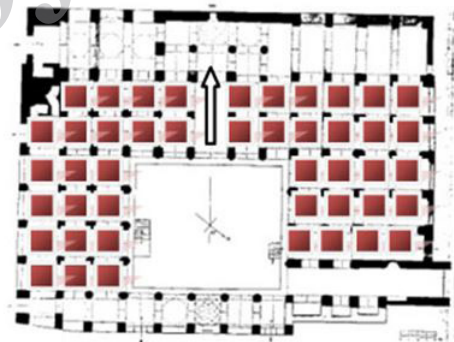
عوامل کارکردی مؤثر در تقویت محورگرایی در مساجد

همان گونه که بیان گردید معماری مسجد نوعی معماری تعادل محور است که جهت اصلی آن بی‌جهتی است. با این حال تعیین محور قبله در مسجد اجتناب‌ناپذیر است. با این حال، این محور هیچ‌گاه غالب نمی‌گردد و در حد ایجاد کارکردهای عبادی در یکرنگی مسجد به گونه ناغالب ظاهر می‌شود. علاوه بر این که، محور قبله در مسجد باعث آشفتگی در تعادل نیروها نمی‌شود. محور ۱ در مساجد - بنا به میزان شدت محورگرایی آن‌ها - تأثیرات ظاهری و عملکردی و نمادین ایجاد می‌نماید. محور، ساختار مساجد را منظم می‌نماید و به جدایی فضای منظم داخل از فضای پریامی و بی‌معنی خارج و جهت‌یابی عناصر مسجد در مسیری خاص منتهی می‌شود. محور در مساجد عامل ایجاد سلسله مراتب حرکتی، شکل‌یابی ساختار کلی، تقارن، ریتم‌یابی عناصر هم سو با محور و تأکید بر جهت قبله است.

سلسله مراتب: سلسله مراتب به دو گونه در بناها دیده می‌شود. در دسته اول، سلسله مراتب فضایی برای انتظام شکلی است و توجیه عملکردی مشخصی ندارد. در دسته دوم، هدف، سامان‌دهی فضا است. سلسله مراتب می‌تواند کارکردی، معنایی و یا نمادین داشته باشد. در وجه کارکردی سلسله مراتب فضایی، چیدمان فضایی برای دسترسی به فضای اصلی اهمیت پیدا می‌کند (تصویر شماره ۸). اما در وجه معنایی، ایجاد آمادگی در افراد برای دسترسی به فضاها و حال و هوای معنوی آن‌ها مطرح است. در کلیساها سلسله مراتب در جای‌گیری عناصر نمادین اهمیت دارد. ولی سلسله مراتب در مسجد از نوع کارکردی و معنایی است که مراتب ورود به مسجد

اخلاق و عمل (مواجهه فردی با خدا) در کنار یکدیگر: در مساجد، موعظه و عبادت شخصی توأمان انجام می‌گیرد. جدایی این دو در اسلام نقص محسوب می‌گردد. شبستان به گونه‌ای طراحی می‌شود که هر دو عملکرد را در کنار هم پاسخگو باشد. شبستان مسجد، مکان عمل به موعظه‌های اخلاقی است و تک عملکردگرایی شبستان در زمینه جدایی این دو عرصه بی‌معنا است. موعظه مقدمه‌ای برای حضور قلب و تکامل عقلانی برای عمل به عبادت آگاهانه است، که نشان می‌دهد هر شخص به طور مستقل راه خود را به سمت خدای خویش می‌یابد.

تعدد راه‌های دست‌یابی به خدا: در اسلام بر خلاف مسیحیت که راه مشخصی برای دست‌یابی به هدف را برای افراد تعیین می‌کند، راه‌های دسترسی به هدف به کثرت نفوس آدمیان است؛ می‌توان طریقت را به مشابه شعاع‌هایی از دایره در نظر گرفت که هدف آن‌ها وصل به نقطه مرکزی است. راه‌های رسش به نقطه مرکزی بی‌نهایت است، که هر چه انسان‌ها به نقطه آغازین خود نزدیک‌تر گردند، جایگاهشان متفاوت می‌شود (گنون، ۱۳۷۹: ۳۰). راه‌های متفاوت در مسجد در مسیر محور آسمانی (عمودی) منطبق بر مرکز هر فضا است که کثرت این راه‌ها، وحدت خود را در یگانگی محور عروج که در آسمان مسجد تعریف شده، کسب می‌نمایند (تصویر شماره ۶).



تصویر شماره ۶: وجود راه‌های دسترسی به خدا به اندازه کثرت نفوس افراد در مساجد، مسجد جامع نائین، ۲۴۹ ه.ق، مأخذ: پیرنیا، ۱۳۸۳: ۱۴۷

ارتباط با خدا بدون نیاز به واسطه: در اسلام برای ارتباط با خدا نیازی به واسطه نیست و افراد در هر زمان و از هر طریق امکان دست‌یابی به خدا را دارند؛ بنابراین محور عبادت بر هر فرد به تنهایی منطبق می‌گردد.

تأکید بر فردیت اشخاص: در مکان عبادی مسلمین نیروها هدایت‌گری را به سمت فردی خاص القا نمی‌کنند. آن‌چه باید مورد توجه قرار گیرد، در درون افراد جای گرفته است. هر فرد قابلیت ارتباط با خدا را دارد و نیروهای موجود در فضا بر هر فرد به صورت مستقل تأکید می‌کنند. در چنین مکانی هر شخص، مرکز ارتباط با خدا در نظر گرفته می‌شود و فضاها در حاشیه فضاها دیگری گسترش نمی‌یابند؛ بلکه هر فضا بر خودش متمرکز می‌گردد (تصویر شماره ۷).

در مساجد اسلامی را می‌توان محراب، منبر، مقصوره^{۱۲}، ایوان و صحن، ورودی، سر در و پیشخان دانست که وجود و میزان اهمیت این اجزا در دوره‌های زمانی و مکانی با توجه به شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، اقلیمی و الگوی حاکم بر منطقه متفاوت بوده است. فضاهای داخلی مسجد بر حسب ارزش و جایگاه‌شان در محور قرار می‌گیرند. محراب، فضاهای عبادی و ایوان‌های اصلی در کانون محور قبله و محل تقاطع آن با محورهای فرعی قرار دارند. فضاهای فرعی - که شامل درها، ایوان‌های فرعی، رواق‌ها و ورودی‌های سایر فضاها است - در محورهای فرعی تر قرار می‌گیرند. سایر فضاهای خدماتی و فرعی در کنج‌ها و زمین‌های ناقص جای دارند. در کل، همه عناصر به گونه‌ای سازمان‌دهی می‌شوند که فضای عبادی در بهترین مکان قرار گیرد (نقره کار، ۱۳۷۶: ۲۳۳).

هم‌جهتی عبادت فردی به سوی یک هم‌آوایی دسته جمعی
به سمت هدف معین: بر خلاف مسیحیت که تمام معابد دارای جهت‌گیری موازی هستند، معابد اسلامی به سمت مرکز واحدی گرایش دارند. مرکز تمام عبادات مسلمین کعبه است؛ و افرادی که به سمت واحدی عبادت می‌کنند احساس می‌کنند فاصله‌ها از میان رفته است و عبادت فردی و درونی آن‌ها وسعتی هم‌چون عبادت هدف‌دار و جمعی مسلمانان می‌یابد (بورکها، ۱۳۷۶ الف: ۳۹).
ایتن این مطلب را چنین بیان می‌کند: «مرد یا زنی که در کانون طبیعت^{۱۴} در حال قیام، رکوع و سجود است، عضوی از محفل جهانی است و با تسبیح کل آفریدگان پیوند دارد» (ایتن، ۱۳۸۴: ۲۳۲).

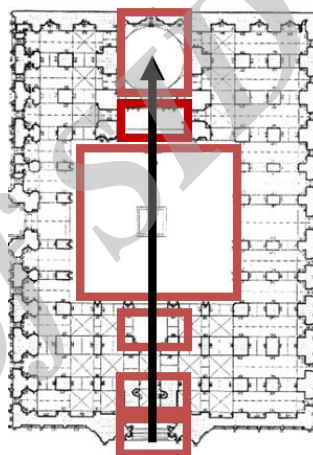
بررسی قیاسی - معنایی محور عمودی در مسجد و کلیسا

وجه تمایز اصلی در مساجد و کلیساها توسط محور افقی تعریف می‌شود. محور افقی در کلیسا کارکردی نمادین دارد، و در مسجد برای تأمین کارکردهای مورد نیاز فضای عبادی تعریف می‌شود. محور مسیحی طریق را نمایان و آغاز و انجام را مشخص می‌کند و در فرجام، محور عمودی را می‌نمایاند. تقاطع محور عمودی و مسیر افقی در کلیسا فرجام تکامل مراتب وجودی و ابتدای مسیر رستگاری و نزدیکی به پروردگار است. در مسجد آغاز و انجام در کنار یکدیگر و توأمان تعریف می‌شوند (تصویر شماره ۹). انسان غربی همواره در حال پویش مسیر است و انسان شرقی رستگاری را رویدادی جهانی می‌داند (شولتز، ۱۳۸۷: ۱۶۷ - ۱۷۰).

وجه مشترک در محورگرایی کلیسا و مسجد، محور عمودی است. آن‌چه فرجام معنای حقیقی را در مسجد و کلیسا رقم می‌زند، محور عروج است که انسان کامل در این محور تعریف می‌شود. محور عمودی مرکز ارتباط مداوم با خدا است که فاصله و زمان در این محور بی‌معنا است. بر خلاف محور افقی که نماد تکامل تدریجی وجود است، محور عمودی نماد رستگاری ابدی است.

با توجه به اشتراک معنایی محور عمودی در مسجد و کلیسا تفاوت در جایگاه کالبدی محور عمودی در این دو مکان نمایان می‌گردد. محور عمودی کلیسا در انتهای مسیر تکامل مراتب وجود مادّی تعریف می‌شود و مسیر عروج به سمت خدا را نشان می‌دهد.

را مهیا می‌سازد. رعایت سلسله مراتب فضایی عامل تداوم حرکتی در مسجد است (افشار نادری، ۱۳۷۴: ۷۱). محور حرکت انسان در مسجد معمولاً با جلو خان و سر در و صحن آغاز می‌شود و تا لحظه‌ای که انسان آرام گیرد و سیر روحانی خویش را آغاز کند به طول می‌انجامد^{۱۱}. در تطابق محور حرکت و محور توجه^{۱۲} باید در نظر گرفت که همواره منظور دسترسی در کوتاه‌ترین فاصله نیست و رعایت سلسله مراتب در دسترسی به فضا و ایجاد آمادگی ذهنی امری اجتناب‌ناپذیر است. در مکان‌هایی خاص برای رسیدن به محور توجه، نیاز به طمأنینه و چرخش است و در مکانی دیگر نیاز به حرکتی مستقیم و بی‌واسطه است. در محور حرکتی، تنها، دسترسی به مکان مورد نظر مطرح نیست؛ بلکه ایجاد آمادگی ذهنی یکی از عواملی است که در نحوه سامان‌دهی مسیر و انتظام سلسله مراتب فضایی مؤثر است (زرگر، ۱۳۸۶: ۱۰۸ - ۱۰۹).



تصویر شماره ۸: نقش کارکردی محور در مساجد، تعریف سلسله مراتب و نظم‌بخشی به اجزای مسجد، مسجد جامع ورامین، دوره آذری ۷۲۲ ه.ق، مأخذ: پیرنیا، ۱۳۸۳: ۲۳۱.

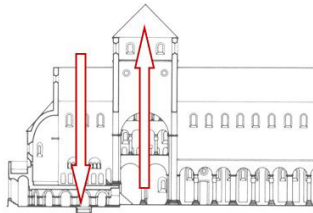
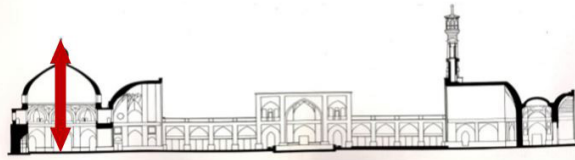
ایجاد تمرکز ذهن از طریق تقارن و ریتم

تقارن: تقارن در بناهای مذهبی می‌تواند ایجاد سکون و تمرکز و توجه و امنیت نماید و از آشفتگی ذهن جلوگیری کند. تقارن در اکثر فضاهای اصلی مساجد دیده می‌شود. افشار نادری تقارن را به وجود آورنده نظمی ایستا و ادراک بصری هدایت‌شده می‌داند (افشار نادری، ۱۳۷۴: ۷۲). به گفته پیرنیا تقارن یا همان جفت، در کاخ‌ها و پرستش‌گاه‌ها برای ایجاد شکوه و سنگینی وجود داشته است (پیرنیا، ۱۳۸۴: ۳۱۸). قرینه‌سازی در فضا عامل ایجاد مکانی مستقل و وحدت بخش می‌شود.

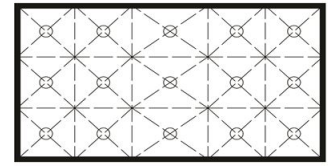
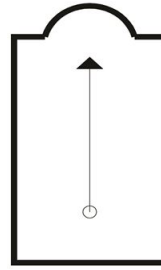
ریتم: در مساجد محوردار، ردیف‌های ستون و تاق‌بندی با ریتم مشخص و متفاوت از سایر مکان‌ها برای تأکید بر جهت قبله به کار رفته است. شکست ریتم در نقاط کانونی هم‌چون فضای محراب، ایوان اصلی و ورودی‌های شاخص به عنوان عامل توجه، کاربرد دارد. ریتم‌دار بودن فضاهای عبادی عامل ایجاد یکنواختی، وحدت کالبدی، هویت‌یابی مکان و مانع از پریشانی حواس شخص عابد می‌شود.

سامان‌دهی عناصر مسجد: از عناصر تشکیل‌دهنده محور

می‌گیرد که هر دو، وجود خود را با حلول در یکدیگر می‌یابند و در فضای کلی مسجد تعادل را نمایان می‌کند. در فضای کلیسا محور عمودی و افقی ماهیت خود را مستقل از یکدیگر پیدا می‌کنند و تعادل تنها در مرکز تقاطع محورها نمایان می‌شود^{۱۶} (جدول شماره ۱).



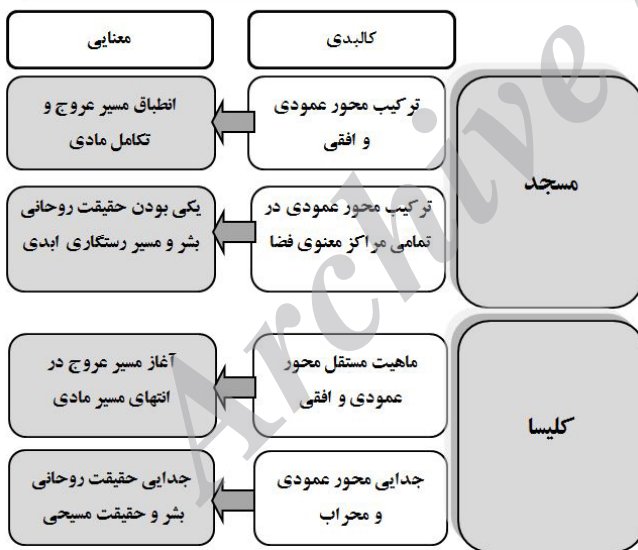
تصویر شماره ۱۰ بالا: انطباق مسیر روحانی و رستگاری در فضای مسجد، مقطع مسجد امام تهران، ۱۳۲۲ ه.ق، مأخذ: مجموعه عکس‌های دکتر علی محمد رنجبر کرمانی؛ پایین: جدایی مسیر زمین به آسمان از آسمان به زمین در کلیسا، کلیسای سنت میکائیل، سوییس، مأخذ: استیرلن، ۱۳۸۱: ۱۲۱.



تصویر شماره ۹ راست: تلفیق آغاز وانجام و قرارگیری در مکان رستگاری در مسجد، مأخذ: نگارنده

در مسیحیت محور عمودی در کلیسا جدا از محراب است و حقیقت عروج روحانی بشریت را از حقیقت مسیحی^{۱۵} جدا می‌کند (پیشین: ۱۶۸). در اسلام محور عمودی، عامل وحدت برای کثرت عروج روحانی افراد در مسیر رستگاری است. در مسجد، محور عمودی جای خود را در میان سایر بخش‌های مسجد پیدا می‌کند و این محور اعماق زمین را با اوج آسمان پیوند می‌زند. در شرق، عالم منسجم، ایستا و هماهنگ تلقی می‌شود. با چنین دیدگاهی در مسجد، محور عمودی ماهیتی متفاوت از مرکز روحانی مسجد پیدا نمی‌کند (تصویر شماره ۱۰). ترکیب محور عمودی و محور افقی در مسجد به گونه‌ای انجام

تمایزات کالبدی - معنایی محور عمودی



جدول شماره ۱: بررسی شباهت‌ها و تمایزهای محور عمودی در مسجد و کلیسا

شباهت‌های معنایی محور عمودی

- مسیر رستگاری و ارتباط معنوی با خدا
- بی‌معنایی فاصله و زمان
- تعریف انسان کامل در میسر محور عمودی
- وجود تعادل معنوی فضا در برخورد محور افقی و عمودی

حرکت به انسان، او را به سکون می‌خواند و برآیند هر بخش در مرکزش باعث حضور انسان در مرکز فضا می‌گردد. لازمه عبادت در هر نیایشگاهی برقراری ارتباط انفسی با پروردگار، سادگی، بی‌پیرایگی و حضور قلب است؛ آن‌چه در کلیساها مشاهده می‌شود، تأثیر عوامل گوناگون فرهنگی، فلسفی، تاریخی و مذهبی در محورنمایی این مکان عبادی است (جدول شماره ۲). در کلیسا، نمادگرایی در کالبد محور اصلی نمایان می‌شود؛ با این حال اهداف عبادتی انفسی در چنین فضایی به آسانی پاسخ‌گویی نمی‌شود. میل به چنین عبادتی

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

محورگرایی و عدم محورگرایی، در شکل‌گیری حال و هوای حاکم بر فضای عبادی مؤثر است. در فضاهای محورگرا اصولاً کشیدگی در جهت خاصی مشاهده می‌شود. در صورتی که این کشیدگی در فضای عبادی باعث توجه به مکان خاصی می‌گردد و خلوص فضای عبادی را کاهش می‌دهد. تمرکزگرایی، مستقل بر هر بخش، در عین وحدت‌بخشی معنایی به کل مجموعه، مناسب‌ترین حالتی است که انسان را از نظر مادی آرام نگاه می‌دارد؛ زیرا به جای القای حس

دگرگونی‌هایی را در فضای مسجد ایجاد کرد؛ با این حال مسجد همواره در حال و هوای اصلی عبادی خود باقی ماند و تلاش‌ها در جهت تعادل بخشی به ساختار کلی‌اش بوده است. با توجه به تکمیل محورهای اصلی و فرعی در کنار محور عمودی می‌توان اذعان داشت محوربندی مسجد و کلیسا در کنار محور معنوی فضا به تعادل می‌رسد. چنانچه محور عمودی در کلیت فضا حلول پیدا کند، فضایی خواهیم داشت که علاوه بر افق در جهت قائم هم تعادل کالبدی و معنایی را باز می‌یابد.

در جدال با فضای حاکم بر کلیساها در دوره متوالی به تغییر شکل تدریجی در کلیساها می‌پردازد تا به تدریج آن را به فضای ایده‌آل عبادی نزدیک سازد. در مساجد با تمام دگرگونی‌هایش که متأثر از عوامل فرهنگی، اجتماعی، تاریخی و اقلیمی است، همواره در آن، واحدهای عبادی مرکزگرا جایگاه خود را حفظ کرده‌اند. قرارگیری این واحدها در کنار یکدیگر، ساختار اصلی مسجد را رقم می‌زند. محور قبله در مساجد که در میان واحدهای عبادی جای خود را باز کرده است، جهت و معنای خاصی به عبادت مسلمین می‌بخشد (جدول شماره ۳). این محور در دوره‌هایی با وجود عوامل مختلف،

جدول شماره ۲: بررسی نمادهای محورگرایی در کلیسا

عوامل مؤثر در محور گرایی کلیساها	مبنای عامل	نحوه بروز در ساختاریابی
مصلوبیت عیسی (ع)	تاریخی - دینی	الگو برداری ظاهری ساختار صلیب گونه کلیسا
سیر از دنیا به آخرت	باور دینی	نمایاندن مسیر دنیا به آخرت در محور کلیسا و جدایی مسیر و هدف
جهت گیری معنوی	باور دینی	کشیدگی کلیسا به سمت شرق
تمایز در جایگاه معنوی افراد	اجتماعی - دینی	تمایز ارزشی افراد در جهت محور افقی
جدایی عبادت فردی و موعظه اخلاقی	اجتماعی - دینی	کارکردگرایی محور اصلی در جهت عبادت فارغ از عمل
انعکاس نجومی معبد	علمی - اعتقادی	ارجاع ساختار کلیسا به عامل مافوق بشری
واسطه برای دست‌یابی به خدا	باور دینی	تأکید محوری کلیسا به سمت شخص واسط
تکامل تاریخی بشریت	تاریخی - اعتقادی	طی طریق در محور کلیسا نماد تکامل در محور زمان و تاریخ
سیر تکوین معنوی افراد	باور دینی	افزایش ارزش فضایی در نظام محور کلیسا به سمت محراب
تقدس مصائب	باور دینی - تاریخی	نمادگرایی از تقدس دشواری راه هدایت در محور اصلی
واسطه گری معبد	فلسفی - دینی	تلفیق محورها در ساختاری واسط مربع و دایره
فلسفه نجات	باور دینی	نمایاندن طریق کالبدی نجات در کلیسا
تکامل گرایی کلیسا	فلسفی - دینی	چهار جهت در محور بندی نشان دهنده برخورد خصوصیات متضاد و متکامل در تقاطع

جدول شماره ۳: بررسی عوامل تعادل محورها و تقویت محور افقی در مسجد

عوامل	نحوه تحقق
خلأ برای ارتباط با معبود	فضای خنثی و ساکن در مسجد
همراهی اخلاق و عمل در عبادت	تعریف کالبدی برای پاسخگویی دو عملکرد
عدم اعتقاد به سیر تکامل تاریخی	عدم نیاز به تعریف مسیر طولی در مسجد
تعدد راه‌های دسترسی به خدا	وجود فضاهای هم ارزش در مسجد
عدم نیاز به واسطه	عدم تأکید بر فضای خاص
تاکید بر فردیت افراد	تمرکز نیروها بر روی فرد
وابستگی دنیا و آخرت	تلفیق مسیر و هدف در شبستان
آمادگی معنوی برای حضور در فضا و انتظام بخشی	سلسله مراتب فضایی در جهت محور
تمرکز ذهن	تقارن و ریتم در جهت محور
سامان‌دهی عناصر مسجد	چیدمان عناصر بر حسب جایگاه در جهت محورهای اصلی و فرعی
هم‌جهتی عبادت فردی	تأکید محور بر جهت قبله

۱. گنون این مطلب را بدین صورت بیان می‌کند: «مسیحیت در جنبه ظاهری و متعارف خود تا حدودی خصیصه رمزی صلیب را فراموش کرده و دیگر در آن چیزی جز علامت یک حادثه تاریخی نمی‌بیند» (گنون، ۱۳۷۴: ۴۵).
۲. این بینش آخرت را به عنوان عرصه‌ای در دور دست نمایاند و عامل ترغیب افراد در جهت پیشرفت‌های مادی گشت.
۳. این قابلیت انسان به او امکان فنا در بقای خدا را می‌بخشد.
۴. این مرحله در اسلام همان ساحت انسان کامل است.
۵. دایره را می‌توان نمودی از تمامیت فضا دانست. محورهای اصلی کلیسا حاصل تقسیمات طبیعی دور آسمانی است که در شکل مستطیل معبد بازنمایی شده است (بورکها، ۱۳۷۶: ۶۵).
۶. اگر محور قائم به عنوان محور سوم در نظر گرفته شود، راه به وسیله آن نماد پیدا می‌کند که به انسان کامل مربوط است (پیشین: ۱۵۷).
۷. محدودیت وجودی مسیح در جنبه انسانیّت او نهفته است. نقص در آنچه نسبی است مسلم است. اگر نقصانیت مسیح را از جنبه وجودی او حذف کنیم، تجسد او بی معنا می‌شود (پیشین).
۸. استثنای در این زمینه، مساجد گنبدخانه‌ای است که اغلب کارکرد آن‌ها برگزاری نماز جمعه است.
۹. آن‌چه در مرکز دایره قرار می‌گیرد لایتغیر است؛ مرکز جایگاه حقیقت است.
۱۰. هر چه در فضای اصلی عبادت (شبستان) سکون و بی‌جهتی حاکم باشد و نقش محور در حد القای جهت قبله بروز نماید، آن فضا برای عبادت مناسب‌تر است.
۱۱. در آن‌جا که انتهای این سفر به محراب ختم و هدف و مقصود، محراب در نظر گرفته می‌شود، انحراف در مبانی عبادت و هدف نیایش صورت می‌گیرد؛ هر چند می‌توان محراب را به عنوان کانون توجه حسی و نمادی برای رسیدن به هدف نهایی در نظر گرفت.
۱۲. «محور حرکت» مسیری است که انسان برای رسیدن به مقصد می‌پیماید و «محور توجه» خطی است ذهنی که انسان میان خود و امر مادی یا معنوی که مطلوب او است، در نظر می‌گیرد. در مساجد، هم‌شأنی محور حرکتی و حسی و مطابقت آن‌ها با محور معنایی اهمیت ویژه‌ای دارد. اهمیت این محورها در مسیر صغیر اهمیت پیدا می‌کند. مسیر صغیر هنگامی آغاز می‌شود که انسان خود را در نزدیکی کانون توجه احساس می‌کند و تا لحظه رسیدن به مقصد را شامل می‌شود (زرگر، ۱۳۸۶: ۱۰۶).
۱۳. از عوامل دیگر تأثیرگذار در محور می‌توان فرش‌انداز محوری و گنبد بالای محراب را نام برد. فرش‌انداز محوری که در مساجد اولیه دیده می‌شود، شامل فرش‌اندازی است عمود بر جهت قبله، که فرش‌اندازهایی به موازات محور قبله را قطع می‌نماید. در محل تقاطع فرش‌انداز محوری و اولین فرش‌انداز و همچنین کنج‌ها، گنبدهایی برای تأکید بر جهت قبله ایجاد می‌گردید که به تدریج عامل شکل‌گیری شیوه T شکل در مساجد اموی و عثمانی و سایر مساجد بود (گرابار، ۱۳۸۲: ۷۹). چنین ترکیبی در مساجد حالتی شاهانه و رسمی ایجاد می‌نمود که با کم‌رنگ شدن نقش عبادی فضا جایگاه‌شان را در مساجد از دست دادند.

۱۴. انسان مسلمان بر این باور است که تمام زمین برای او مسجد است و ساختمان‌های محصور که او را برای نماز آماده می‌سازد، فقط برای آسایش است.
۱۵. جدایی مسیر زمین به آسمان از مسیر آسمان به زمین.
۱۶. محور عمودی در کلیسای گوتیک نسبت به سایر کلیساها انحلال بیش‌تری با محور افقی پیدا می‌کند؛ به گونه‌ای که عمودیت فضا تا حدی افقیت آن را کاهش می‌دهد.

فهرست منابع و مراجع

۱. استیرلن، هانری (۱۳۸۱)، **دائرة المعارف معارف جهان**، ترجمه نادر روز رخ، فرهنگان، تهران.
۲. افشار نادری، کامران (۱۳۷۴)، «همنشینی اعداد در معماری ایرانی»، **مجله آبادی**، شماره ۱۹.
۳. ایتن، گای (۱۳۸۴)، **شکوای زمین**، ترجمه مهدی زمانی، جام نو و می‌کهن، رامین، تهران.
۴. بورکها، تیتوس (۱۳۷۶ الف)، **نظری به اصول و فلسفه اسلامی**، ترجمه غلامرضا اعوانی، در مجموعه مقالات مبانی هنر معنوی، حوزه هنری، تهران.
۵. _____ (۱۳۷۶ ب)، **روح هنر اسلامی**، ترجمه سید حسین نصر، در مجموعه مقالات مبانی هنر معنوی، حوزه هنری، تهران.
۶. _____ (۱۳۷۶ ج)، **ارزش‌های جاویدان هنر اسلامی**، ترجمه سید حسین نصر، در مجموعه مقالات مبانی هنر معنوی، حوزه هنری، تهران.
۷. _____ (۱۳۷۶)، **هنر مقدس (اصول و روش‌ها)**، ترجمه جلال ستاری، سروش، تهران.
۸. پاشایی، فرشته و کهنمویی، ناهید (۱۳۸۰)، **اسلام و معماری مسجد**، در مجموعه مقالات معماری مسجد جلد ۱، دانشگاه هنر، تهران.
۹. پالیس، مارکو (۱۳۸۴)، **آیا مسئله شر وجود دارد؟**، ترجمه احمد رضا قائمی، جام نو و می‌کهن، رامین، تهران.
۱۰. پیر نیا، محمد کریم (۱۳۸۴)، **معماری اسلامی ایران**، سعدی، تهران.
۱۱. _____ (۱۳۸۳)، **سبک‌شناسی معماری ایرانی**، نشر معمار، تهران.
۱۲. تاجدینی، علی (۱۳۷۶)، **مجموعه مقالات هنر معنوی**، حوزه هنری، تهران.
۱۳. دهقان، مصطفی (۱۳۸۴)، **جام نو و می‌کهن**، رامین، تهران.
۱۴. زرگر، ابراهیم (۱۳۸۶)، راهنمای معماری مسجد، دید، تهران.
۱۵. شجاعی زند، علیرضا (۱۳۷۹)، «از مسیح تا مسیحیت»، **مجله کتاب ماه دین**، شماره ۳۷.
۱۶. شولتز، کریستیان نوربرگ (۱۳۸۷)، **معنا در معماری غرب**، فرهنگستان هنر، تهران.
۱۷. کربن، هانری (۱۳۷۶)، **تأویل قرآن و حکمت معنوی اسلام**، ترجمه رضا داوری، در مجموعه مقالات مبانی هنر معنوی، حوزه هنری، تهران.
۱۸. گرابار، الگ (۱۳۸۲)، **هنر مذهبی مسجد (۲)**، ترجمه مهرداد وحدتی دانشمند، مجله هنر دینی، شماره ۱۵ و ۱۶، ۷۵-۹۶.
۱۹. گروتو، یورگ کورت (۱۳۸۶)، **زیبایی‌شناسی در معماری**، ترجمه جهان‌شاه پاکزاد و عبدالرضا همایون، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

Archive of SID

۲۰. گنون، رنه (۱۳۷۴)، **معانی رمز صلیب**، ترجمه بابک عالیخانی، سروش، تهران.
۲۱. _____ (۱۳۷۹)، **اسلام و تائوئیسم**، ترجمه دل آرا قهرمان، آبی، تهران.
۲۲. محمد زاده، میرنادر (۱۳۸۳)، «مطالعه‌ای تطبیقی در مسیحیت شناسی»، **مجله کتاب ماه دین**، شماره ۸۱.
۲۳. نصر، سید حسین (۱۳۷۹)، **نیاز به علم مقدس**، ترجمه حسن میانداری، سپهر، قم.
۲۴. _____ (۱۳۸۰)، **معرفت و معنویت**، ترجمه انشاءالله رحمتی، گلستان، تهران.
۲۵. نقره کار، عبدالحمید (۱۳۷۶)، **معماری مسجد از مفهوم تا کالبد**، در مجموعه مقالات معماری مسجد، گذشته، حال، آینده، دانشگاه هنر، تهران.
۲۶. نوایی، کامبیز (۱۳۷۶)، **مسجد تمثال انسان کامل**، در مجموعه مقالات معماری مسجد، گذشته، حال، آینده، دانشگاه هنر، تهران.